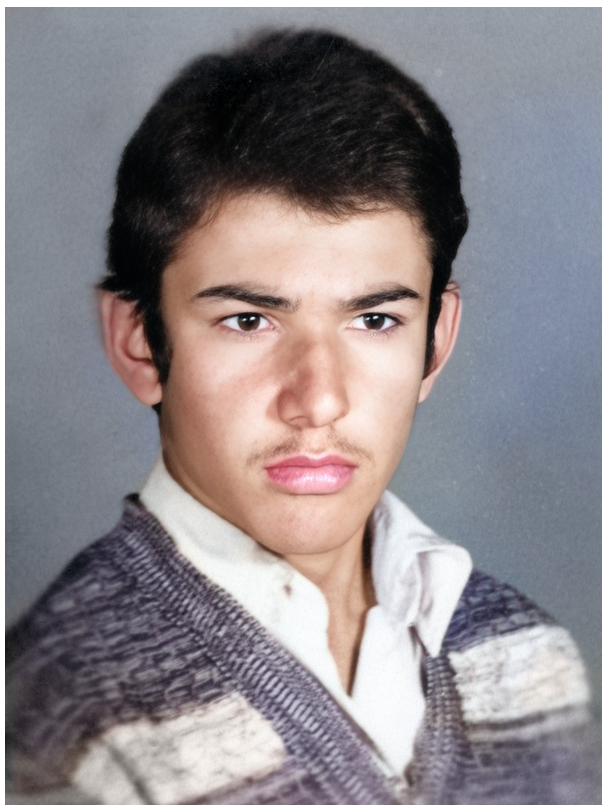


شهید حسین امانی



از بشارت علی
سازمان جامع سرواران و دهستانهای استان بوشهر

نام پدر	الله کرم
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۹/۰۹
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۹/۱۰
محل شهادت	شرق بصره
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	چهل زرعى عجم

زندگینامه

شهید حسین امانی فرزند الله کرم در سال ۱۳۴۴ در روستای عجم (بخش شبانکاره) در خانواده ای متدین و مذهبی چشم به جهان گشود.

دوران تحصیلاتش به ترتیب در دبستان شهید صدوقی همان روستا و مدرسه راهنمایی مرتضوی برازجان مدرسه راهنمایی منتظری خلیفه ای، دبیرستان طالقانی و دکتر شهید بهشتی برازجان بوده است. در سال ۱۳۶۰ در حال تحصیل سال دوم متوسطه بود هفده سال بیشتر نداشت که شور و شوق جبهه را در سر داشت به دلیل عشق وافر که به اسلام و خدمت به مسلمین داشت عضو بسیج مرکزی برازجان شده و فعالیتهایی پر شور در انجمن های اسلامی و دیگر مراسمات نموده بود. ایشان بعد مدت دو ماه به شهرستان کازرون اعزام گردید. تابستان سال ۶۱ بود که بعد از آمادگی رزمی جهت رهسپار شد به جبهه حق علیه باطل به پادگان شهید باهنر اهواز اعزام گردید. و بعد از شرکت در جبهه های مناطق کوشک و سوسنگرد و شوش دانیال و خرمشهر یک بار به مدت ۱۰ روز به مرخصی برگشت و مجدداً به جبهه رفت و در تاریخ ۶۱/۴/۲۲ ساعت ۲۲ عملیات گسترده ای را به نام رمضان و بارمز «صاحب الزمان» آغاز کردند. که انتظار پیام رسان قافله عشق خبر شهادت ایشان را به خانواده صبور و چشم انتظارش رساند و به سالها انتظار پایان بخشید. از خصوصیات اخلاقی ایشان: با تمام اهالی خانواده و آشنایان و دوستان مهربان و رؤف بود و در کمک کردن هیچ وقت دریغ نمی کرد. تیکه کلام ایشان بیشتر از قرآن و ائمه اطهار و ایمان و عشق به خدا و امام حسین «ع» و امام زمان «عج» بود.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون
ما همه از خداییم و به سوی او برمی گردیم

سلام بر همه برادران و خواهران زحمتکش و بیدار
سلام بر امت قهرمان پرور و شهید پرور که مکتبش خون حسین بن علی و هزارا شهید گلگون کفن آبیاری شده و
هنوز هم چنین شیوه ای صراط مستقیم ماست .
امیدوارم که دست خدا و دست امام زمان و نائب بر حقش بر سر ما کم نگردد . شما پیروزی و آزادی جند الله را
بفرمان روح الله در صحنه حق علیه باطل می بینیم . این ارتش ارتش مردمی است و لشکر حزب الله نام دارد . من
از راه دور به شما ملت عزیز و فداکار سلام می رسانم و مژده می دهم که پیروزی نزدیک است . این کلامی است
که از زبان امام است شنیده می شود . دشمن خیلی کوچک است که بخواهد در مقابل ارتش الله قد علم کند .
پدر و مادر و برادرم ! تنها خواهشی که از شما دارم این است که قدر امام را بدانید . این عاشق خدا خیلی پیش
ماها حق دارد . خاک بر سر من که نتوانستم دست و روی امام بزرگوارمان را ببوسم . او راه علی را می رود و علی
راه خدا . علی میزان حق است .
پدر و مادر عزیز شما امروز پیش خدا رو سفید هستید . خدای تبارک و تعالی صبر و شکیبایی به شما عطا فرموده .
من اجازه ندارم که بگویم برایم ناراحتی نکنید .
مطلب دیگر این است که تعدادی کتاب خوتندنی و قابل مطالعه در خانه دارم که برای بالا بردن افکار جوانان
سودمند است آنها را به مسجد ولی عصر (عج) تقدیم کنید .
هر کس از من ناراحتی دیده به خدای خودش مرا ببخشد .
پروردگارا به بزرگیت سوگند و به عظمت خون شهیدان گلگون کفن و به فرق شکافته علی (ع) این رادمرد تاریخ
به بزرگواری مهدی موعود (عج) تو را قسم می دهم که عمر رهبرمان را طولانی بفرمای و او را از تمامی بلیات
سماوی و ارضی محفوظ بدار و انقلاب ما را به لنگلاب مهدی متصل بگردان .
یا غیاث المستغیثین
حسین امانی
تابستان ۱۳۶۱
جبهه حق علیه باطل

مصاحبه

پدر جاویدالآثر :

اینجانب الله کرم امانی اهل و ساکن روستای چهل زرعی عجم از توابع بخش شبانکاره و شهرستان دشتستان پدر جاویدالآثر می باشم . هم اکنون به کار کشاورزی و دامداری مشغول می باشم و همیشه سعی نموده ام در نماز جماعت مسجد و حتی در نماز جمعه بخش حضور فعال داشته باشم . در تمام برنامه های مذهبی و راهپیمائیها حضور فعال دارم و با بسیج روستا و بخش همکاری بسیاری دارم . و هنوز هم با توجه به سن زیاد در صحنه ها حاضر هستم و من افتخارم این است که فرزند عزیزم را در راه اسلام و انقلاب به جنگ حق علیه باطل رفته و هنوز هم پیکر آن پیدا نشده است .

مادر جاویدالآثر :

اینجانب سکینه تنگستانی اهل و ساکن روستای چهل زرعی عجم مادر جاویدالآثر حسین امانی که مشغول به کار خانه داری و همچنین در کارهای کشاورزی و دامداری به همسرم کمک می کنم و من هم افتخار می کنم که فرزندم در راه اسلام و انقلاب به جنگ تحمیلی رفت .

خاطرات

یادداشت‌های جاوید الاثر

ای خمینی کبیر ، ای پرچم دار امت ستم‌دیده ، ای که قلبت در قلبهای مستضعفان جهان می‌تپد .

ای خون تو خون خدا و راه تو قانون خدا . ای انفجار سپیده دم . ای کعبه کمال و کرم ، ای حرمت حریم و حرم ، حرم از قیام تو محترم . ای بت شکن زمانه ، همه امت با راهت همراه است . ما منتظر آخرین کلام تو که کلام خداست هستیم شما ای شور آفرینان ، ای رهروان پیر خمین ، بر سپاه کفر یورش برید و آهنگ اسلام و قرآن را در کشور مسلمان ایران طنین انداز کنید .

ای رزمندگان اسلام ، امروز روز آزمایشات الهی است . روزی که می‌توانیم درس شهادت بیاموزیم از یاران محمد (ص) . خداوندا ، پروردگارا ، ای حقیقت ، ای تو دانای غیب و شهادت که ذرات در پیشگاه تو سر به سجده نهاده‌اند ، امر ، امر توست هر چه فرمایی

ای که حاکم بر جان و جهانی

یا مرگ ، یا شهادت

ای برادران ، ای هم‌زمان ، ای متحدان ، بیایید ، بیایید که ما اینجائیم . بیایید که آنچه خواهید اینجاست . بیایید کمی درد دل کنیم ، کمی از رازها بگوییم . کمی از رشادتها و شجاعتها بگوییم .

هر چه در دل دارید بر زبان آرید و هر چه که دانش اندوخته‌اید برای یکدیگر بازگو کنید . وقتی که همگی در یک صف واحد جمع شوند اتحاد پدید می‌آید . چه اتحادی ، اتحادی از ایمان مستحکم‌تر - اتحادی از شکوه و جلال و شکوفایی دین خدا و وحدت اسلامی در بین مردم و امت .

وقتی که اتحاد پدید آمد و یک دست شدیم ، پیروزیم ، چگونه ؟ بگو ! چگونه برایت شرح دهم . خدایت ، پروردگار عالم و هستی بخش جهان در کتاب سرنوشت‌ساز بشریت و انسانیت (قرآن) فرموده : هیچ نیرویی قوی‌تر از ایمان نیست . آن هم ایمانی که در قلب یک ملت باشد آن هم ایمانی که وحدت ملت مسلمان باشد .

پس تو پیروزی ای برادر ، آنچه که راز و نیاز کردی با خدا ، آرزویت برآورده شد . تو با اتحادات و با همبستگی خودت توانستی کاخهای جهانخواران بین‌المللی را در هم فرویزی . تو با ایمانت توانستی سرمایه‌دار منافق را امپریالیستها و سوسیالیستها را نابود کنی ، تو با سلاح خود توانستی اسلام را پیروز کنی و مشرکان و شیطان را واژگون سازی . تو با انقلاب و قیام خود توانستی ریشه ظلم و ستم و بنیاد شیطان را زیر و رو کنی و دین خدایی و مکتب الهی را جایگزین نمایی .

و هزاران بلکه میلیاردها انسان را از زیر یوغ ظلم و استعمار و برده‌کشی آزاد سازی . آفرین بر تو ای برادر

، ای هم‌رمز که چنین شهادتی داری . ما دیدیم که چگونه شهادت خود را با خون خود نوشتی . یا مرگ یا خمینی ، نه سازش نه تسلیم ، نبرد با مشرکان ، شهادت باعث افتخار است .

یا مرگ یا شهادت

((حسین امانی))

.....:□□□□□□□□□□:.....

بسم الله الرحمن الرحيم

روز سیزده ماه تیر حمله بود چند روزی بیش به عملیات نمانده بود و لحظات مرگ و نابودی صدامیان فرا می رسید دلهای مادران در دل فرزندان خود بود هر کس به فکر و یاد خدای تعالی بود همه دعا می کردند یا حجه بن الحسن صدام را بکش دعا برای رزمندگان ، برای امام امت مخصوصاً خمینی بت شکن دعا می کردند و از خدا می خواستند که تا انقلاب مهدی او را برای ما نگهدارد .

بچه های بسیجی بچه های امام زمان و بسیج مردمی منتظر حمله بودند منتظر شهادت بودند چند روز بیش می خواستیم تا حمله اما بچه ها دیگر طاقتشان سر آمده بود و می گفتند خدا حمله کی آغاز می شود ؛ کی ما می رویم به خط و خون سرخمان را نثار اسلام می کنیم .

روز ۱۳۶۱/۴/۱۳ بود که فرماندهان ما را برای یک آزمایش و آمادگی ؛ از پادگان شهید باهنر به طول ۲۵ کیلومتر پیاده روی کردیم در واقع در ۲ ساعت ۲۵ کیلومتر راهی نیست در عرض ۲ ساعت یک دفعه راه می رفتیم و یک لحظه هم می دویدیم و ما یک ذره آب در عرض دو ساعت نخوردیم و این یک بدن سازی و آمادگی جالبی برای ماها بود .

واقعا برادران بدانید امام زمان در جبهه ها هست و همیشه یاور مجاهدان فی سبیل ... می باشد و فرماندهی را خود آقا امام زمان (عج) برعهده دارد بیایید ای مردم برای امام زمان در راه خدا بجنگید و ای خداوند بزرگ فرج آقا امام زمان را هر چه زودتر نزدیک بفرما .

۱۲ رمضان ۱۳۶۱

والسلام

حسین امانی

.....:□□□□□□□□□□:.....

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت پدر بزرگوارم جناب آقای الله کرم امانی

سلام عرض می کنم پس از تقدیم عرض سلام و سلامتی شما را از درگاه ایزد متعال خواهانم امیدوارم که حال شما خوب باشد . پیروزی اخیر رزمندگان بر همه شما مبارک باد حالتون خوبه ؟ چکار می کنید ؟ امیدوارم که بتوانید یکی از صبر کنندگان باشید و خداوند بزرگ صبر کنندگان را دوست دارد . ما را بعد از حمله خونین شهر ۲ الی ۳ روز بعد بردند به ارون رود و ۱ روز خط مقدم بودیم و بعد برگشتیم به مقر و سپس ما را آوردند به منطقه نظامی کوشک و الان در جبهه کوشک هستیم وسط جذابه و شلمچه نوار مرزی هستیم مرز ما همینجاست و به امید

خدای تبارک و تعالی باید تا کربلا رفت و صدامیان را بسزای خود رساند من الان ساعت ۸ صبح است روی یک تانک غنیمتی عراق نشسته ام و دارم برای شما چند کلمه ناقابل می نویسم امیدوارم که مورد پسندتان واقع گردد با دوربین که نگاه می کنیم عراقیها ۳ کیلومتر با ما فاصله دارند و کاملاً بالای خاکریز ایستاده اند و پیدا هستند این یک حقیقتی است که می گویم : یک روز خمپاره اومد وسط کمر بند یک نفر افتاد اما منفجر نشد یک معجزه بود خمپاره می آمد پیش ما اما منفجر نمی شد اینها خود نشانه دستهای غیب و نیروی توانمند لایزال خداوندی است پدر جان معلوم نیست تا چه موقع ما را اینجا نگه دارند کسانی که ۳ ماه پیش هم اینجا بودند نمی گذارند که بیایند به خانه . مادرم سلام می رسانم ، برادرانم و خواهرانم سلام می رسانم ، پدر بزرگم با عصمت سلام می رسانم مهدی با اهل خانه سلام می رسانم و سهراب تنگستانی و داریوش زارع و دیگر دوستان سلام می رسانم ، عمه خدیجه با بچه ها سلام می رسانم .
ارادتمند شما حسین امانی

.....:□□□□□□□□□□:.....

بسمه تعالی

نامه ای از جبهه به مادر

مادر عزیز:

امیدوارم سلامهای گرم و خالصانه فرزندت را که از کربلای جنوب ایران نثارت میکنم بپذیری و همواره در پناه خداوند در جهت خدا بنده خوب خدا باشی .

مادر جان تو برایم همواره مادری نمونه بودی آنچنانکه همیشه آرزو می کردم تا تئفیقی بیابم و شرح حالت را بعنوان زنی از زنان قهرمان بنویسم تا سرمشقی برای دیگران نیز باشد .

مادر جان تو باید شغل مادری و تربیت فرزندان خود را بعنوان عبادتی بزرگ و تکلیفی الهی بدانی و در قبال آن خود را برای خدا مسؤول بدانی .

تو باید فرزند خوب به جامعه تحویل بدهی جامعه فرزندان سالم می پذیرد به فرزند ناظف اگر یک بچه خوب به جامعه تحویل بدهی آنقدر ارزش دارد که نمی شود آن را تصور کرد .

و به قول امام عزیز به اندازه تمام دنیا ارزش دارد و بطور کلی سعادت جامعه به تربیت فرزند بستگی دارد .

تو باید صبر و شکیبایی خود را به تمام دنیای عالم نشان بدهی تا یک درس برای دیگر زنان باشد .

ای مادران و ای زنان با ایمان ئدنیای اسلام با دستی که گهواره بچه هایتان را تکان می دهید و با دستی دیگر سنت رسو الله و سرنوشت جهان بشریت را رقم می زنید .

امیدوارم که بتوانی بنده خوب خدا باشی و مجری احکام و تکالیف الهی و مهمترین تکالیف در تربیت فرزندان خود جستجو نماید .

شما مادران مهربان باید سنت فاطمه سلام الله علیها را زنده کنید و پیرو او باشید باری شما در پیشگاه خدا خیلی قرب و منزلت دارید . مادرم من همیشه خود را شرمنده میدانم از اینکه نتوانستم زحمات و محبتهای شما حتمی ذره ای از آن را جبران نمایم قول میدهم که با دعا خیر شما و یاری خداوند همیشه در صراط مستقیم قدم برادرم سیر

بندگی خدا را به بچه هایتان و مساما از بزرگترین آرزوهای شما درباره فرزندان نیز همیشه می باشد .

مادرم بعد از عملیات های فتح والخیر و عملیات های دیگر چندی نگذشته این بنده حقیر خدا تصمیم گرفته ام که ان شا الله با پایان پیروزی های آینده در جبهه های حق باشم زیرا حصرت و غصه می خورم از اینکه نتوانستم این

سعادت بزرگ یعنی بودن در جبهه ها را بدست آورم .

آری مادرم شبی بود که همه ما دور هم جمع بودیم ، و تمامی افراد آن جمع مرا نصیحت می کردند که دیگر

بجبهه نروم کارها را برایم بزرگ می کردند و پر اهمیت جلوه می دادند که باید اینجا کار کنی و خلاصه از همین

حرفها که در جبهه کسی هست که جای تو را پر کند و من حرفم چیز دیگری بود می گفتم که رفتن در این راه

بیشتر از هر چیز برای خودمان ارزشمند و ثمراست و این ارزشها با این معیارها قابل سنجش نیست و در این بحث

ها نمی گنجد در همه بحث ها شما سکوت را اختیار کرده بودید سکوتی که در آن بسیار حرفها و معناها نهفته بود و

حتی بعضی از افراد جمع را به شگفتی واداشته بودی . وقتی که پس از اصرار شروع به بحث کردی با آنکه فرزندت در جبهه هست فقط یک جمله گفتی (هر چیزی که صلاح است) و این در حالی است که از طرفی نهایت علاقه به فرزندت در میان می باشد.

.....□□□□□□□□□□.....

زمانه کرد بیزار و پریشم که دور از خانه و اقوام خویشم
کلیسا سایه افکند بر سر منشب و روزم که صحبت با کشیشم
مکن افغون که هم بزم کشیش است
تو صابر باش و آه و ناله کم کن که رفتار فلک هم نوش و نیشم
مزن افسانه ای ناسه بگوشمکه سودای مدم بوده زهوشم
همین ترسم بعد رخت احرمچه صنعان رخت ترسایی بیوشم
بیا ای فاضل جم جام جم کوسخاوتهای حاتم آن کرم کو؟
یکم شب خوش گذشت فردا چه گویم؟کیستان غرابم اون مدم کو؟

.....□□□□□□□□□□.....

نماز کردم نمازم قضا شد
دوتا بلبل زدستم رها شد
یکیش رفته بتخت پادشاهی
یکیش جاروگر امام رضا شد
دوتا بلبل بودیم هر دو خموش و آزاد
شبها در لانه و روزها در پرواز
دوتا بلبل بدست من رها شد
یکیش مشکل یکیش مشکل گشا شد
یکیش در شاخه گل کرده منزل
یکیش با موج دریا مبتلا شد

.....□□□□□□□□□□.....

بیایید ای جوانان سالمان را بسازیم
بیایید ای فداکاران انقلابمان را یاری کنیم
بیایید ای جوانمردان رهبر عزیزمان را اطاعت کنیم
و به یاری الله ریشه ظلم و منافق را بر کشیم
و چنان مردانه با آنان در افتیم که نابودشان کنیم
یا با سنگ سخت قلب آنان را صد چاک کنیم
از دل تاریکی استفاده کنیم و چشم گور شده آنان را کورتر کنیم
و چنان مشت محکمی بر گام ننگشان وارد سازیم که اصلا دیگر در مقابل مسلمین سر بالا نکنند
و نگویند ما کمونیست هستیم نگویند ما بعثی هستیم
نگویند ما لیبرال هستیم نگویند ما آمریکایی هستیم
نگویند ما امپریالیسم هستیم همه آنها را با یک شکست به نابودی کشانیم
شکستی که آمریکای جنایتکار به خیال آنرا گرفته شکستی که هیچ کسی درس نمی پروراند
اما حالا باید پروراند و مجبور است که پروراند غیر از این راهی نیست ننگ بر تو باد ای جنایت پیشه که آبرو نداری .

**عبدالرضا برادر عزیزم امید است که راه تو را ادامه دهم برایم دعا کن تا بیایم پشت .
ان شا الله**

.....:□□□□□□□□□□:.....

کبوتر بچه ای بودم که مادرم مرد
مرا دادند به دایه دایه ام مخرد
مرا دادند به مکتبخانه درس
حکیم بود و حکیم درس غم داد
حکیم از کوچکی رنج و غم داد
گلی بودم چه هنگام چیدنم بود
جوان بودم چه وقت مردنم بود

.....:□□□□□□□□□□:.....

بیایید ای مسلمانها رنگ خون خود گیرید گل سرخ لاله ها را در آغوش گیرید
بیایید شهیدان را لمس کنید تا که بوی شهادت از آنها گیرید
بوی پاک مطهر قبر آنها نشانه ایمان و ایثار از آنها گیرید
مرحبا بر خیزید فرزندان رشید ای همیشه در صحنه ها از آنها درس پیکار گیرید
آنها که رفتند بار سنگین بر دوش ما گذاشتند بیایید شرافت و شهادت از آنها گیرید
همین است رسم و چنین است راه آنها که رفتند و باید از آنها عبرت بگیرید

.....:□□□□□□□□□□:.....

خدایا پذیرا باش توبه ام را که در مانده ز شرمندگی اجابتم رانگهدار از خطر رهبر همیشه بیدارم را که باشد او
را پیشوایی با ایمان را
ای رهبر جانم من باشم همیشه جان فدایت
ای تو در گوش من باشد هویدا جان ما از بهر تو باشد رویدا
ای دریغا ای دریغا جانم فدای رهبرم جانم فدای قرآنم و مکتبم
انقلاب از بود تو باشد مقاوم در جوار مملکت ای کرده عازم
انقلابیونی از تبار حسینی رهسپار جبهه های حق و باطل
همگی رفتند و جنگیدند و گشتند همگی رفتند عاشقانه سوی خداوند عادل
ای خدا توفیق به ما ده که در راه تو یک دل و یک جان رویم سوی شهادت

.....:□□□□□□□□□□:.....

اوست پایدار
در حسد دیدار تو جانا نشسته ایم داغی به دل چون لاله صحرای نشسته ایم
در سوگ جانگداز تو ای سرخ پرپر بس خون دل به دیده و شیدا نشسته ایم
دلهایمان شکسته و در موج اشک ها گشتی شکسته در دل دریا نشسته ایم
در راه این و وطن جان داده ای ولی ما همچنان در اگر و اما نشسته ایم
از کربلا درس شهادت بر گرفته ای رفتی حسین وار و ما در دا نشسته ایم
دنیا برایت تنگ بودای مرغ بی قفسی پر بسته ما در قفسی دنیا نشسته ایم
آیا شود که گوشه چشمی به ما کنی ما خاکیان که در غم فردا نشسته ایم
نخل بلند قامت افتاد ای دریغ ما در عزای قامت و الا نشسته ایم
بر صفحه دلهایمان نام بلند توست جایی تو در دلها و ما بی جا نشسته ایم
در خاطر ما زنده و هر گز نمردهای هر چند ما در ماتم عظمی نشسته ایم

.....:□□□□□□□□□□:.....

ای برادران ای همزمان ای متحدان بیایید بیایید که ما اینجا بیایید که آنچه می خواهید اینجا است بیایید کمی درد دل کنیم کمی از رازها بگوییم کمی تر شهادتها و شجاعتها بگوییم هر چی در دل دارید بر زبان بیاورید و هر چه که بلد هستید و هر چه که اندوخته اید تا ما هم استفاده کنیم تا ما هم مثل شما روبراه گردیم وقتی که شما یا ما هستید وقتی که همگی در یک صف واحد جمع شویم اتحاد پدید می آید چه اتحادی؟ اتحادی از ایمان مستحکم، اتحادی از شکوه و جلال و شکوفایی دین خدا و وحدت اسلامی در بین مردم و امت وقتی که اتحاد پدید آورید و یک دست شدیم پیروزیم چگونه؟ چگونه چگونه تا برای شروع کنم؟ خدایت پروردگار عالم و هستی بخش جهان در کتاب سرنوشت ساز بشریت و انسانیت (قرآن) فرموده: هیچ نیرویی قویتر از ایمان نیست آن هم ایمانی که در قلب یک ملت باشد آنهم ایمانی که در وحدت مسلمین باشد پس تو پیروزی ای برادر آنچه که راز و نیاز کردی با خدا آرزویت برآورده شد تو با اتحاد با همبستگی خودت توانستی گام های جهانخواران بین المللی را در هم فرو ریزی تو با ایمانت توانستی سرمایه دار منافقین و امپریالیستها و سوسیالیستها را نابود کنی تو با سلاح توانستی اسلام را پیروز کنی مشرکان و شیطان را واژگون سازی تو با قیامت توی این انقلاب توانستی ریشه ظلم و ستم و بنیاد شیطان را از روی زمین برچینی و دین خدایی و راه و رسم خدایی و مکتب الهی را جایگزین کنی و هزاران بلکه میلیونرها انسان را از زیر ظلم و استعمار و برده کشی آنها آزاد سازی آفرین بر تو ای برادر ای همزم که چنین شهادتی داری و ما دیدیم شهادت را با خون خود نوشتی یا مرگ یا خمینی نه سازش نه تسلیم نبرد با مشرکان . شهادت باعث افتخار است . یا مرگ یا شهادت

.....:□□□□□□□□□□:.....

ای خمینی کبیر ای پرچمداران ملت ستمدیده
ای قلب تپیده مستضعفان جهان
ای خون تو خون خدا و قیام تو توفان خدا
ای انفجار سپیده دم ای کعبه کمال و کرم
ای حرمت حریم و حرم حرم از قیام تو محترم
ای بت شکن زمان ما منتظر آخرین فرمان
کلام تو که فرمان و کلام خداست هستیم
و شما ای شور آفرینان و ای رهروان پیر خمین
بر سپاه کفر یورش ببرید و آهنگ اسلام و قرآن را در کشور مسلمان عرق طنین انداز کنید
ای مسلمانان جهان هنگام آن دیگر شده تا عید خون برپا کنیم
باشد که آخر جاودان نوروز خود پیدا کنیم
رزمندگان اسلام امروز روز آزمایشات الهی است روزی که می توانیم درس شهادت بیاموزیم از یارا حسین(ع)
خداوندا پروردگارا ای حقیقت ای تو دانای غیب و شهود ذرات عالم به پیشگاه تو سر بسجده نهاده اند امر امر
توست هر چه فرمایی! ای که حاکم بر جان و جهانی

.....:□□□□□□□□□□:.....

بطور کلی جامعه ما جامعه امام است .
الطاف الهی در این برهه از زمان بر سرتاسر سرزمین مقدس پرتوافکنده است .
مرده ما به برکت وجود رهبر الهی و نیز همت والایشان اعجاز گشته است .
به برکت رهبری که در اعماق وجود محرومان نفوذ کرده و یا تمام وجودشان فریاد بر می آورند
تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست
مردم او را بعنوان نائب بر حق امام زمان علیه السلام می دانند و اطاعت از او را به مشابه اطاعت از خداوند تبارک و تعالی و اطاعت از ولی الله اعظم حضرت بقیه الله روح الله و ارواحنا الفدا می دانند .
این بسیجی که از دل توده های حزب الله برخاسته و بسوی جبهه حق علیه باطل روانه می شوند این روحانیت

که امام هنوز حکم جهاد صادر نفرموده که این طور است اگر امام حکم جهاد بدهد دیگر چطور بر مردم جهاد واجب نشده (وای اگر خمینی حکم جهادم دهد) دیگر کدام ارتش دنیا می تواند مقابلش بایستد که باید ابر کشوران عالم کاملا احساس خطر کنند و بخود آیند و برای خویش راه دیگری انتخاب کنند .

.....:□□□□□□□□□□:.....

.....:□□□□□□□□□□:.....

.....:□□□□□□□□□□:.....



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران